

بنام خدا

ادبیات و نگارش

(برای تمامی رشته‌ها)

دکتر فرهاد فلاح‌خواه

نجیبه هنرور

سرشناسه	: فلاح‌خواه، فرهاد، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: ادبیات و نگارش (برای تمامی رشته‌ها)/فرهاد فلاح‌خواه، نجیبه هنرور.
مشخصات نشر	: تهران: اتحاد، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۷-۰۳۸-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۴۵.
موضوع	: ادبیات فارسی -- مجموعه‌ها
موضوع	: فارسی -- راهنمای آموزشی
شناسه افزوده	: هنرور، نجیبه، ۱۳۵۱ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۴/۸ف/۴۰۰۳PIR
رده بندی دیویی	: ۰/۸۴۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۶۳۲۸۳

نام کتاب	: ادبیات و نگارش
مؤلفین	: دکتر فرهاد فلاح‌خواه، نجیبه هنرور
ناشر	: اتحاد
لیتوگرافی	: طیف نگار
چاپ	: دیبا - رایان پردازش تصویر
نوبت چاپ	: اول ۱۳۹۳
تیراژ	: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت	: ۶۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی کتاب آیلار

انقلاب - خیابان شهید منیری جاوید (اردیبهشت) - خیابان شهدای ژاندارمری شرقی - شماره ۱۴۶
(ساختمان آیلار) تلفن: ۶۶۴۰۱۳۵۵ - دورنگار: ۶۶۴۹۴۴۳۱

فروشگاه شماره ۱ (کتاب آیلار)

انقلاب - روبروی دبیرخانه دانشگاه تهران - بازارچه کتاب، تلفن ۶۶۹۵۶۴۳۳ - ۶۶۲۱۸۶۵

فروشگاه شماره ۲ (کتاب آیلار)

کریمخان زند - مابین ایرانشهر و خردمند جنوبی - شماره ۱۳۲، تلفن: ۱ - ۸۸۳۱۹۷۴۰

فروشگاه شماره ۳ (کتاب آیلار)

انقلاب - روبروی دانشگاه تهران - پاساژ فروزنده - شماره ۳۲۱، تلفن: ۹۷ - ۶۶۹۶۳۵۹۶

ISBN: 978-600-197-038-2

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۷-۰۳۸-۲

«فهرست مطالب»

عنوان	صفحه
پیشگفتار	
فصل اول: اسطوره در ادبیات فارسی	
۱. درآمدی بر اسطوره	۲
۳. آرش کمانگیر (سیاوش کسرایی)	۱۴
۴. مرغ آمین (نیما)	۲۰
۵. آیین نگارش فصل اول: نامه‌نگاری	۲۴
فصل دوم: ادبیات عرفانی	
۶. درآمد: عشق و عرفان در آیین‌های ادبیات	۳۰
۷. عشاق راستین (خواججه عبدالله انصاری)	۳۷
۱۰. یاد سلطانی مکن (سنایی غزنوی)	۳۹
۱۳. دو گیتی در سر دوستی شد (ابوالفضل مهدی)	۴۰
۱۴. غزل‌هایی از مولوی	۴۲
۱۵. عقل و عشق (شیخ نجم‌الدین دایه)	۴۴
فصل سوم: طنز و انتقاد اجتماعی	
۱۸. درآمدی بر طنز و انتقاد اجتماعی	۴۷
۱۹. غزلی از حافظ	۵۳
۲۰. سخاوت (خواججه نظام‌الدین عیدالله قزوینی)	۵۴
۲۱. دو قطره خون (پروین اعتصامی)	۵۷
۲۲. سگ‌ها و گرگ‌ها (مهدی اخوان‌ثالث)	۵۹
۲۳. آواز گرگ‌ها (مهدی اخوان‌ثالث)	۶۰
۲۴. آواز سگ‌ها (مهدی اخوان‌ثالث)	۶۱
۲۵. گزیده‌ای از آثار عقلای مجانین	۶۳
۲۶. آیین نگارش فصل سوم: انواع زبان نگارش	۶۵

فصل چهارم: تعالیم تمثیلی در ادبیات.....	۷۲
۲۷. درآمد: تعالیم تمثیلی در ادبیات.....	۷۳
۲۹. حکایت (سنایی غزنوی).....	۸۲
۳۰. نفس (سنایی غزنوی).....	۸۳
۳۱. کینه (ابوالمعالی نصرالله منشی).....	۸۴
۳۲. جفتی کیوتر (ابوالمعالی نصرالله منشی).....	۸۵
۳۳. حکایاتی از گلستان (سعدی).....	۸۶
۳۴. داستان برزگر با گرگ و مار (سعدالدین وراوینی).....	۹۰
فصل پنجم: ادبیات و انقلاب.....	۹۱
۳۶. درآمد: ادبیات و انقلاب.....	۹۲
۳۷. عشق و وطن (عشق).....	۹۷
۳۸. ناله‌ی مرغ اسیر (عارف قزوینی).....	۹۸
۴۰. در بند (فرخی یزدی).....	۹۹
۴۱. مرغ گرفتار (بهار).....	۱۰۰
۴۳. نه آن است و نه این (جلال‌الدین همایی).....	۱۰۱
۴۴. زمستان (اخوان ثالث).....	۱۰۲
۵۵. آیین نگارش فصل سوم: درست بنویسیم.....	۱۰۴
فصل ششم: ادبیات معاصر.....	۱۱۱
۵۶. درآمدی بر شعر نو.....	۱۱۲
۵۷. سفر اشک (پروین اعتصامی).....	۱۲۴
۵۸. آی آدم‌ها (نیما).....	۱۲۵
۵۹. سوزد مرا سازد مرا (رهی معیری).....	۱۲۷
۶۳. آواز نگاه (هوشنگ ابتهاج).....	۱۲۸
۶۴. صدای پای آب (سهراب سپهری).....	۱۲۹

۶۵. چون سبوی تشنه (مهدی اخوان ثالث)..... ۱۳۲
۶۶. او به من نیاموخت، من به او آموختم (دکتر علی شریعتی)..... ۱۳۴
۷۰. گزیده‌ای از مثنوی «زبان زنجره» (احمد عزیزی)..... ۱۳۶
۷۵. آیین نگارش فصل چهارم: مقاله‌نویسی..... ۱۴۰
- منابع و مأخذ..... ۱۴۵

www.ketab.ir

گفتاری با دانشجویان

من نمی‌خواهم وارد تعریف‌های گوناگون «ادبیات» بشوم بلکه قصد دارم این موضوع را ساده و بی‌پیرایه با دانشجویان عزیز در میان بگذارم، بنابراین همین قدر عرض می‌کنم «کسی که از ادبیات بیگانه باشد ماشینی بیش نیست.» می‌تواند پول دریاورد و زندگی مرفهی داشته باشد ولی همیشه تک بعدی است زندگی او روح ندارد؛ از معنویت و لذایذ معنوی خالی است او از غذایی که می‌خورد فقط به «نوع» آن می‌اندیشد برای او مهم نیست که آن غذا در چه ظرفی و بوسیله‌ی چه کسی و در چه حال و هوایی ارائه می‌شود، بنابراین ادبیات قدری احساس را به کمک عقل خشک می‌فرستد تا او را در کوره‌ی راه زندگی با زیبایی‌های مسیر آشنا سازد. حال اگر ادبیات که محمل احساس است به کمک عقل نشتابد، عقل دچار یکنواختی شده و به زودی خسته می‌شود و از ادامه‌ی مسیر باز می‌ماند، پس ادبیات را می‌توان موتور محرک عقل نام‌گذاری کرد.

به وسیله‌ی ادبیات است که کم‌کم قدرت زیبایی‌شناسی انسان پرورش می‌یابد و به جایی می‌رسد که با شناخت و نشان دادن انواع زیبایی‌ها که خداوند در تمام آفریده‌های خود به ودیعه نهاده، دریچه‌ی تازه‌ای را از بهشت به روی شخص باز کند. ای کاش می‌دانستیم که زندگی بدون ادبیات چه قدر حقیر و تنگ و تاریک و بی‌هویت است. شتر در حال عادی مقدار معینی بار را حمل می‌کند، وقتی حادای شتریان خوش نوا را می‌شنود تا پای مرگ راه می‌رود و احساس خستگی نمی‌کند.

چند سال پیش به مطب دکتری رفته بودم که از دانشجویان سابق بنده بود. همین که مرا دید گفت فلانی به من کتاب بدهید من دارم می‌پوسم. اتفاقاً گزیده‌ی دیوان شمس به گزارش استاد بزرگوار جناب آقای دکتر شفیعی کدکنی تازه از چاپ درآمده بود و من یکی خریده بودم تقدیمش کردم چند روز بعد تلفن زد که فلانی:

مردم بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم

دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

ادبیات تنها شعر سرودن و نثر نوشتن نیست، بلکه هرکس که بتواند زیبایی‌های مادی و معنوی را تشخیص دهد خود شاعر خاموشی است.
سعدی (ره) می‌فرماید:

پریشان شود گل به یاد سحر نه هیزم که نشکافدش جز تیر
ادبیات به انسان آن قدرت تشخیص را می‌دهد که بداند جهان نمایشگاه عظیمی از زیبایی‌های عالم خلقت است که هر چیزی به جای خویش نیکوست. آنگاه، خداوند با فرستادن مجانی انسان‌ها بدین نمایشگاه، حق بزرگی به گردن ایشان نهاده است که کسی از عهده‌ی شکر آن نمی‌تواند بدر آید.

زندگی بدون ادبیات از تعادل لازم برخوردار نیست؛ زندگی وقتی به تعادل می‌رسد که در وجود انسان دو نیروی عقل و احساس با هم بسازند و همکاری نمایند اگر هر کدام از این نیروها از حد خارج شود زندگی انسان در هر دو جهان دچار مخاطرات جبران‌ناپذیر می‌گردد.

خداوند متعال قصیده‌ی بلند سروده که تمام موجودات عالم از کوه و دشت و پرند و ستاره و سبزه و گل گرفته تا حشرات بسیار ریز وظیفه‌شناس، کلمات این شعر هستند. شعری که با ارکستر سمفونی کیهانی همراهی و همخوانی می‌شود. ادبیات وظیفه‌اش تأمین آن حیات طیبه‌ای است که برای انسان امکان لذت بردن از این شعر و موسیقی دلنشین آن را فراهم آورد.

البته باید بدانیم که ادبیات در دنیای امروز کاربرد فراوان دارد و دامنه‌ی تأثیر آن از زندگی زناشویی گرفته تا روابط عاطفی و نیز رابطه‌ی انسان با خدا و خودش را در برمی‌گیرد. در نتیجه از یک انسان عادی و معمولی شخصیتی می‌سازد که می‌تواند جهانی را مدیریت کند. مگر درس‌هایی را که از تک تک حکایات کتب و دمنه و شاهنامه‌ی فردوسی گرفته می‌شود یا سیاست‌گذاری‌های فردی و اجتماعی تاریخ بیهقی را در جای دیگر می‌توان یافت؟ پس به آسانی می‌شود گفت که یک ادیب واقعی یک ثورسین جهانی است و رسالت سنگین انبیا(ع) را بر دوش خود دارد.

متأسفانه در اثر عدم شناخت رسالت ادبیات و نقش هنرمند و شاعر در جامعه، مردم ما، از یک ادیب یا شاعر انتظار دارند که بر ایشان شعر بخواند و چند لحظه‌ای وقت ایشان را خوش بدارد در صورتی که نظامی مقام یک شاعر هنرمند متعهد را از جهت هدایت نوع بشر، پس از انبیا در مقام دوم قرار می‌دهد و می‌فرماید:

پیش و پسی بست صف کریا پس شعرا آمد و پیش انبیا
اینجانب امیدوار است، این مقدار معرفی نقش و رسالت ادبیات در تأمین زندگی موفقیت‌آمیز انسان‌ها، برای دانشجویان عزیزی که کتاب باارزش دوستانم: جناب آقای دکتر فرهاد فلاح‌خواه و سرکار خانم علیّه خانم هنرور را مطالعه خواهند کرد، پیش‌درآمدی باشد برای ورود آگاهانه‌ی ایشان به ساحت مقدس ادبیات که انصافاً در این کتاب، با سیمای بسیار زیبایی عرضه شده است.

دکتر احمد فرشباغیان صافی

واژه و اصطلاح ادبیات

در مورد معانی و مفاهیم واژه و اصطلاح ادبیات، تعریف‌های گوناگونی از طرف صاحب‌نظران ارائه گردیده است که ما چکیده و نتیجه‌ای از همه‌ی آن‌ها را می‌آوریم:

ادب در لغت نگاه داشتن اندازه و حد هر چیز و همچنین به معنی دانش و طرز پسندیده و شگفت است، که دارای قواعدی است. به طوری که معرفت بر آن انسان را از خطا در گفتار و کردار باز می‌دارد و به او قدرت بیان به تناسب اقتضای حال و مقام می‌بخشد.

دانشمندان، اصطلاح ادبیات را از حیث ماهیت و قلمرو به دو بخش تقسیم کرده‌اند:

۱- ادب درس ۲- ادب نفس

ادب درس: یا ادبیات، مشتمل بر فنونی است که ادیب ملزم است آن‌ها را بیاموزد، از قبیل لغت، اشتقاق، صرف، نحو، معانی، بیان، عروض، قافیه، خط، انشاء، محاضرات، تاریخ و ...؛ زیرا آموختن این قواعد است که، انسان را در نگارش و بیان شفاهی مقاصدش یاری می‌دهد، و او را از خطا و لغزش باز می‌دارد.

ادب نفس: یا اخلاقیات، سجایای فطری و کسبی و خوی‌های نیکو و رفتارهای پسندیده است که به عقیده‌ی دانشمندان اخلاق، داشتن آن‌ها، خوشبختی جاودانی انسان و سعادت اجتماعی او را تضمین می‌کند. به عبارت دیگر، ادب نفس؛ آراسته بودن شخص به کمالات اخلاقی و سجایای انسانی است، تا حق همه را به جای آورد و با حسن سلوک و بینش نیکو زندگی کند، به طوری که وی را از راه ادب شناسند نه از راه حساب.

در مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه‌ی عزالدین کاشانی در باب این معنی ادب آمده است:

«ادب عبارت است از تحسین اخلاق و تهذیب اقوال و افعال و ادیب کامل آن بود که ظاهر و باطنش به محاسن اخلاق و اقوال و نیات و اعمال آراسته بود و اخلاقش

مطابق اقوال باشد و نیاتش موافق اعمال، چنان که نماید، باشد و چنان که باشد، نماید

«...»

فواید و اهداف ادبیات

با توجه به توضیحاتی که درباره‌ی شاخه‌های دوگانه‌ی ادبیات داده شد. اهداف ادبیات را می‌توان در موارد زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- ساختن جامعه‌ای که افراد آن به انسانیت انسان، بیشتر از هر چیز دیگر بها بدهند.

۲- ساختن دنیایی که افراد آن با درک متقابل و رعایت حدود و اعتقادات همدیگر، در صلح و دوستی زندگی کنند. (خدمت به بشریت)

۳- پرورش انسانی که آراسته به محاسن کلام و پیراسته از معایب اخلاق باشد.

۴- تلطیف عواطف و احساسات خوانندگان، برای ایجاد بستری مناسب، در راستای دستیابی به زندگی ایده‌آل.

۵- حفظ بنیان‌های فرهنگی اعم از زبانی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، تاریخی و آثار علمی و ادبی، برای ایجاد ارتباط و پیوستگی میان گذشتگان و آیندگان.

۶- بازنمایی مظاهر گوناگون زندگی شخصی و اجتماعی یک ملت، در زیباترین هنری‌ترین قالب‌ها و تعابیر. (زیبایی آفرینی).

۷- ترویج حسن وطن‌دوستی و پاس داشت حرز و بوم ملی خود، با سلاح ادب و دانش.

ادبیات فارسی

ادبیات گرانمایه‌ی فارسی، نه تنها مظهر اوضاع و احوال اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تغییرات محیط زندگی، تحولات فکری، دینی، هنری و زیبایی‌شناسی است، بلکه دارای این ویژگی هم هست، که همه‌ی آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند و با بیان دلکش و شیرین و گاهی با طبع انتقادی و ارشادی خود آن‌ها را باز می‌نماید و با توسل به شیوه‌های گوناگون بدیع و ابتکاری خود، در افکار، اعمال، تصمیم‌ها و

اقدامات افراد نفوذ می‌کند و از آن‌ها نتایج عمیق و اساسی می‌گیرد و نشان می‌دهد که سخن ارزشمندترین سرمایه و بهترین پایه‌ی پیشرفت و کمال است.

ادبیات ایران، هزاران نکته از خرده‌بینی، نقد و ارشاد جامعه و سردمداران امور و هزاران دست آورد بدیع از تنبیه و تهذیب افراد و افکار در زمینه‌ی نظامات عمومی و اجتماعی دارد که امواج آن سینه‌ها را تسخیر کرده و دل‌ها را تحت تأثیر قرار داده است و شخصیت‌های عالی و قهرمانان بی‌نظیر و سرانجام ادیبان پرشور و پر احساس و نقاد پرورده است. *والحق* پهنای فکری دریای ادبیات ما، چنان وسعتی دارد که نکته‌ای نگفته و گوهری نهفته، باقی نمانده است. اگرچه شاعران سبک هندی از جمله صائب معتقدند که:

در بند این مباش که ضمون نمانده است یک عمر می‌توان از زلف یار گفت
اما گذشته از همه‌ی تعارفات، اعتقاد ما بر این است که، طومار سخن، به درازای عمر انسان‌هاست، و در بدعت و ابتکار و خلق آثار جدید هم چنان به روی طالبانش باز است.

پارهای از خوانندگان ادبیات، گمان می‌کنند که ادبیات دنیایی است از تخیلات شاعرانه. و آنچه ادیبان گفته‌اند و می‌گویند، دوباره‌ی اغراضی محدود از قبیل مدح، وصف، تغزل و نظایر این‌هاست، ولی با بررسی دقیق می‌توان دریافت که شعرا نه تنها از رؤیاها و دورنماهای ذوقی خیال‌انگیز بر سر شون می‌آیند و در کالسکه‌ی زرین عشق و شوریدگی با بال‌های پرنیانی فرشتگان در آسمان آبی ادبیات پرواز می‌کنند، بلکه با سیر در آفاق و انفس و گشت و گذار در پیچ و خم حیات، از اوضاع و احوال فردی و جمعی و روابط مدنی و اقتصادی و مناسبات سیاسی و فرهنگی هم الهام می‌گیرند و با انعکاس آن‌ها رسالت والای ادبیات و سجه‌ی کارایی و سازدهی عمومی آن را به خوبی نشان می‌دهند. سروده‌ی شیخ عارف آذری، فراخور حال این سخن است، جایی که می‌گوید:

اگر چه شاعران از روی اشعار ز یک جامند در بزم سخن مست
ولی بسا بساده‌ی بعضی حریفان فریب چشم ساقی نیز پیوست

زبان معنی آنان گه نظم	دهان از گفته‌ی صورت فرو بست
همه غواص دریای کمانند	که در بحر حقیقت افکند شست
مبین یکسان که در اشعار این قوم	ورای شاعری چیزی دگر هست

حال بر دانشجویان ماست که برای دستیابی به کشوری مرفّعی، از نظر داشتن امکانات فنی و تکنولوژی مدرن و همراهی با جریان‌ات جدید صنعتی عصر حاضر، بستری آرام، آرام با رعایت حدود و حقوق دیگران، مهر و محبت، نوع دوستی، صمیمیت و گذشت فراهم کنند، تا در عین بهره‌مندی از امکانات و نعمت‌های خدادادی - که هر روز گونه‌های تازه‌تری از آن‌ها کشف می‌گردد - با پرورش قوای درونی خود و هم‌رعانشان به اصالت انسانیت انسان صحّه بگذارند. و همانا ادبیات با مظاهر گوناگونش، یکی از شایع‌ترین و پرجاذبه‌ترین راه‌های دستیابی به این هدف مقدّس و متعالی است، خصوصاً زمانی که مردم به آن درجه از آگاهی و فرهنگ رسیده باشند که از ادبیات مایه‌های عالی و توان‌بخش حیات معنوی را کسب کنند. درست بخوانند، درست بنویسند، خوب تحلیل کنند، صحیح انتقال دهند، به شایستگی اثر بگذارند، زیبایی بیافرینند، هنرمندانه نشان دهند و سرانجام انسان بسازند.

بنابراین نگارندگان این سطور، اهتمام داشته‌اند بر این که، خوانندگان متون ادبی را عموماً و دانشجویان رشته‌های غیرادبی را خصوصاً با مظاهر گوناگون ادبیات و فواید و کاربردهای فراوان آن در عرصه‌ی علم و صنعت و اجتماع، در حدّ وسع و مجال فرصت، آشنا کنند، از این رو مجموعه‌ای را تهیّه کرده‌اند که تواند پرده از بعضی از مظاهر چشم‌گیر ادبیات بردارد و خوانندگان را با چهره‌های گوناگون آن بیشتر از پیش آشنا گرداند.

فرهاد فلاح‌خواه - نجیبه هنرور